

تحلیلی بر مسأله رابطه بین فراگیر و معلم با تأکید بر رویکردهای نوین آموزشی

علی شیروانی شیرینی^۱، رضا علی نوروزی^۲، سوسن نعمت اللهی^۳

پذیرش: ۹۸/۶/۱۳

دریافت: ۹۸/۵/۲۶

چکیده

یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر یادگیری، محیط کلاس است. معلم باید بتواند یک محیط شاد و خلاق برای یادگیری فراهم نماید. علاقه و توان معلم و دانش‌آموزان در کلاس، تعاملات رفتاری را موجب می‌شوند که اساس فرآیندهای یاددهی-یادگیری را به وجود می‌آورند. البته روابط بین معلم و دانش‌آموزان، کاملاً تنظیم شده و قابل پیش‌بینی نیست. ارتباط موثر، یکی از وظایف محوری آموزش موثر است، زیرا دانش‌آموزان عمدتاً در ارتباط مؤثر با دیگران است که نحوه تعامل سازنده و مثبتی که در زندگی آینده آنان می‌تواند راهگشا باشد را یاد گرفته و مطالب علمی را نیز به صورتی اثربخش‌تر یاد می‌گیرند. اگر محیط کلاس و موقعیت‌های ارتباطی، به طور مثبت و تقویت‌کننده باشند یادگیری فراگیران بهتر و اثربخش‌تر می‌گردد. در هر صورت ارتباط، قلب فرآیندها و فعالیت‌های کلاس است. در این نوشته نویسندگان با رویکردی کیفی و از نوع تحلیلی فلسفی و با نگاهی تأملی مفهوم، جایگاه و نقش موثر معلم و فراگیر را در فرایند تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار داده و سپس به تبیین رابطه معلم با فراگیر و برعکس پرداخته و در ادامه مشکلات معلم در برقراری رابطه اثربخش با فراگیران و همچنین مشکلات فراگیر در برقراری رابطه موثر با معلم و دیگران، مورد بحث و بررسی و تحلیل قرار می‌دهند.

کلید واژه ها: محیط کلاس، معلم، فراگیر، ارتباط موثر، تعامل بین معلم و شاگرد.

۱. استادیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران، نویسنده مسئول، ali_shiravani@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، ایران.

۳. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، ایران.

مقدمه

یکی از وظایف مهم معلم ساختن فرمول‌هایی برای مدیریت کلاس است. روش تدریس و فلسفه‌ای که معلم بر اساس آن آموزش می‌دهد بر نحوه مدیریت کلاس مؤثر است و نحوه مدیریت کلاس نیز بر روش تدریس مؤثر بوده و تجارب موفقیت‌آمیز کلاس را بالا خواهد برد. اکثر معلمان موفق و کارآزموده از روش‌های آزمایش شده و موفق استفاده می‌کنند. بیش‌تر معلمان تازه کار هرگز راهنمایی‌هایی را برای هدایت و یا کنترل رفتار دیگران عهده‌دار نبوده و قبل از ورود به کار تدریس تنها مسئول رفتار خود بوده‌اند. لذا وقتی مدیریت یک کلاس مملو از فراگیران پر انرژی را برعهده می‌گیرند با مشکلاتی روبرو می‌شوند که این امر خود زمینه‌ساز مشکلات بی‌شمار دیگری است.

فنون مدیریت کلاس با عوامل مشخص‌کننده موقعیت معلم و دانش آموز اندازه‌گیری می‌شوند. نگرش‌های دانش‌آموزان در کلاس رسمی و رشد آن‌ها با مهارت‌های مدیریتی معلم در کلاس توسعه می‌یابد. نگرش یک معلم درباره‌ی این که یک کلاس درس چگونه باید اداره شود و چگونه باید در کلاس عمل نماید سطح کلاس آن معلم را مشخص می‌کند.

امروز خانواده‌ها بیش‌تر از گذشته مشکل دارند. آمار طلاق افزایش یافته، خانواده متزلزل شده و فرزندان، کانون گرم خانواده را از دست داده‌اند در نتیجه دانش‌آموزان مشکلاتی را در کلاس ایجاد می‌کنند که بعضاً غیرقابل پیش‌بینی است. کلاس‌های درس امروزی تقریباً تمایل به سمت سیستم‌های ناپایدار اجتماعی پیدا کرده‌اند از طرف دیگر در گذشته خانواده‌ها پر جمعیت‌تر بود و فرزندان تعاملات زیادی در خانه داشتند و از لحاظ اجتماعی با رشد بیش‌تر و توانمندی‌های ارتباطی بالاتری به مدرسه می‌آمدند.

اما اکنون خانواده‌ها تک فرزندی یا دو فرزندی هستند و به دلیل شاغل شدن والدین، دانش‌آموزان با تعاملات کم‌تری در خانواده روبرو هستند و این مسأله مشکلاتی را در اداره کلاس ایجاد می‌کند. امروزه این دیدگاه در بین دانش‌آموزان توسعه یافته است که مدرسه مکانی برای گذراندن و عبور کردن است که این نگرش برانگیختن انگیزش پیشرفت را در دانش‌آموزان بسیار مشکل کرده است. علاوه بر این قوانین انضباطی حاکم بر تمام مدارس یکسان است در حالی که مدارس جو یکسانی ندارند فراگیران با تنوع فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی زیادی در مدارس حاضر می‌شوند. همچنین معلمان مدارس مختلف از توان مدیریتی متنوعی برخوردارند. لذا باید قوانین با توجه به ساخت مدرسه متغییر و پویا باشند تا بتوانند مدرسه را از حالت انجماد در انضباط نجات دهد.

در پژوهشی عموم مردم آمریکا در طی ۲۶ سال گذشته، نظم را به عنوان یک مسئله اصلی در مدرسه مورد تأکید قرار دادند و این نشان دهنده‌ی موفق نبودن برنامه‌های انضباطی مدارس است معلمان، مدیران، والدین و دانش‌آموزان می‌دانند که مشکلات انضباطی زیادی در مدارس وجود دارد که در موارد زیادی معلول اعمال نسنجیده معلمان هستند (الام، رز، گالوپ، ۱۹۹۶:۴۹). در پنجاه سال گذشته تأکید بیش‌تر معلمان تهیه برنامه‌هایی برای کنترل و ایجاد نظم و انضباط در کلاس بوده، به طوری که حتی با تنبیه بدنی جهت ایجاد نظم موافق بوده‌اند. در این اواخر (ده سال گذشته) مدارس تأکید بیش‌تری را بر مسئولیت معلم برای تثبیت جو کلاس و هدایت دانش‌آموزان آغاز کرده‌اند. نتایج مطالعات انجام شده توسط متخصصان علوم رفتاری و اجتماعی در زمینه انضباط نیز می‌تواند کمک‌کننده باشد. نهایتاً تلاش فردی معلمان همراه با تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی موجب تنظیم برنامه انضباطی تحت عنوان انضباط دموکراتیک و پیشرفته می‌گردد. در روش‌های انضباطی اخیر معلم به عنوان عضو بزرگسال کلاس باید ملاک‌های عقلی را بر ظرفیت‌های نقش‌پذیری گروه اضافه نماید و قوانین تنظیم شده برای اداره کلاس باید

انعکاسی از قضاوت عقلی و منصفانه کسی که در یک محاکمه شرکت دارد، باشد. معلم نباید به عنوان یک مشاهده کننده بی طرف محسوب شود. به عبارت دیگر دانش آموزان باید در تنظیم قوانین مشارکت داشته باشند و معلم هدایت عقلی آن‌ها را به عهده بگیرد (نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

روش مطالعه

این پژوهش با رویکردی کیفی و از نوع تحلیل فلسفی و مفهومی (شورت، ادموند سی، ۱۳۹۴: ۴۳)، صورت گرفته است. "تحقیق کیفی به مجموعه فعالیت‌های با معنایی اطلاق می‌گردد که با هدف توسعه درک زندگی اجتماعی انسان‌ها و کشف چگونگی ساخت معنا از سوی انسان‌ها انجام می‌شود" (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۴۹). به طور اساسی، هدف پژوهش تحلیلی فلسفی عبارت است از فهم و بهبودبخشیدن مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که ما بر حسب آن‌ها تجربه را تفسیر می‌نماییم، مقاصد را بیان می‌داریم، مسائل را ساخت‌بندی می‌کنیم و پژوهش‌ها را به اجرا در می‌آوریم (شورت، ادموند سی، ۱۳۹۴: ۴۳). محققان تعلیم و تربیت، غالباً تفسیرهایی را پیشنهاد می‌کنند که هم دقیق باشند و هم از غنای کافی برخوردار باشند تا بتوانند پیچیدگی مفاهیم را نشان دهند. بنابراین، "تحلیل مفهومی" نوعی از تحلیل است که ما به واسطه آن به فهم معتبر از معانی عادی یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط دست می‌یابیم (کومیز و دنیلز، ۱۳۹۴: ۴۳-۴۷).

در پژوهش حاضر، ابتدا با نگاهی تاملی و البته با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران، مفهوم، جایگاه و نقش موثر معلم و فراگیر را در فرایند تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار داده و سپس به تبیین رابطه معلم با فراگیر و برعکس پرداخته و در ادامه مشکلات معلم در برقراری رابطه اثربخش با فراگیران و همچنین مشکلات فراگیر در برقراری رابطه موثر با معلم و دیگران، مورد بحث و بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

رابطه معلم با فراگیر

یکی از مسائلی که نظام آموزشی با آن دست به گریبان است، بحث رابطه معلم با فراگیران است. بر اساس دیدگاه‌های جدید روانشناسی فرایند آموزش باید به گونه‌ای طراحی و اجرا گردد که هر فرد استعدادها و قابلیت‌های خود را به منصفانه ظهور رسانده و در تمام ابعاد به صورت حداکثری رشد یابد. اخیراً بیش‌تر مکاتب و نظریه پردازان اعلام کرده‌اند که یادگیری یک فرایند منفعل، مصرف کردن دانش و کنترل‌شده نیست، بلکه یک فرایند فعال، سازنده و خود رهبر است که در آن فراگیران دانشی را در خود شکل می‌دهند که تعبیر و تفسیرهای تجارب یادگیری است (ورموننت و ورلوپ^۱، ۱۹۹۹: ۲۵۸). بر اساس دیدگاه‌های جدید فلسفی نظیر اندیشه‌های دریدا (هر چند بسیاری این دیدگاه را افراطی می‌دانند) باید هر فرد با وارد شدن در فرایند تعلیم و تربیت به یک فرد موثر، منحصر به فرد و مستقل تبدیل گردد. صرف نظر از این دیدگاه‌ها به طور کلی نیز می‌توان گفت که هدف از تعلیم و تربیت فراهم سازی زمینه رشد افراد در تمام ابعاد است. متأسفانه اگر با همین رویکرد نیز به تعلیم و تربیت نگاه کنیم خواهیم دید که اکثر نظام‌های آموزشی تنها به حوزه آموزش یعنی انتقال اطلاعات بسنده کرد و از مسایل و ابعاد دیگر غافل مانده است. البته در این حوزه نیز نمی‌توان گفت که موفق عمل کرده‌اند. به همین لحاظ نظر نویسندگان بر آن است که اگر می‌خواهیم موجبات رشد فراگیران را در تمام ابعاد مهیا سازیم باید در رابطه‌ی بین فراگیران و معلم بازاندیشی نماییم، به عبارت دیگر یکی از مسایل موجود که با حل آن می‌توانیم تا حدودی از مشکلات تربیتی فراگیران کاسته و زمینه‌ساز رشد آنها شویم رابطه معلم با فراگیران است. روشن است که رابطه بین معلم و شاگرد در کشور ما به صورت سنتی و یکسویه بوده و اکثراً معلم بر کلاس مسلط

^۱ - Vermunt & Verloop

بوده و تلاش کرده که نظرات و اندیشه‌های خود را بر کلاس تحمیل نماید، در حالی که تعامل بین فراگیران و معلم اکثراً مورد غفلت قرار گرفته است (این مسئله در برخی موارد آگاهانه بوده و در برخی دیگر ناآگاهانه بوده است). اگر بر اساس اندیشه‌های جدید فلسفی رابطه بین معلم و فراگیران را مورد بازاندیشی قرار گیرد در آن صورت روابط هر فرد با دیگران (فراگیران دیگر و معلم) باید به صورت منحصر به فرد باشد؛ یعنی معلم باید با هر فراگیر به صورت یک فرد منحصر به فرد رابطه خاص او را برقرار کرده تا در عین حالی که زمینه را برای رشد و بروز استعدادها و توانایی‌های منحصر به فرد و ویژه وی فراهم می‌کند، او را فرد مستقل و دگراندیش بار آورد. برونر (Bruner)، با تاکید بر قدرت فرایندهای ذهنی و عقلانی دانش‌آموزان معتقد است که میان فرایندهای ذهنی و عقلانی دانش‌آموزان و بزرگسالان همانندی‌ها و شباهت‌های تام و تمام وجود دارد؛ که تفاوت‌های فرایندهای شناختی کودکان و بزرگسالان تفاوت‌های کمی‌اند؛ تفاوت‌های کیفی نیستند (شریف، مصطفی، ۱۳۸۹). الیزابت الزورث^۱ (۱۹۸۹) در مقاله خود رابطه مفید بین معلم و شاگردان را زیر سؤال برده است و در این مقاله مدعی شده که زمینه‌های مختلف زندگی معلمان و فراگیران و همچنین عدم تعادل قدرت بین معلم و فراگیر رابطه این دو را غیر اثربخش می‌سازد. او در مقاله خود از نظریه ساختارزدا (مابعد ساختارگرا) بهره گرفته و مدعی شده که صور زندگی گروه‌های اجتماعی مختلف متفاوت است و حتی این گروه‌ها برای یکدیگر قابل شناخت نیستند. وی مدعی شده معلم در صورتی می‌تواند فراگیران را هدایت نماید که تمام مسایل زندگی را بهتر از فراگیران بداند و چنین چیزی را غیر ممکن می‌داند زیرا زمینه دانش هر کس ویژه و منحصر به فرد بوده لذا نمی‌توان امیدوار بود که معلم قضایا و مباحث را بهتر از دانش‌آموزان درک نماید (۱۹۸۹:۳۰۸).

پس می‌توان گفت رابطه بین فراگیران و معلم یک مسئله است منتهی این مسئله را با دو نگرش مجزا می‌توان در نظر گرفت ۱- با پذیرفتن اندیشه‌های جدید فلسفی نظیر دیدگاه ساختارزدایی و نظریه انتقادی که بر شکل‌گیری فرد به صورت منحصر به فرد تاکید می‌کنند و این دیدگاه بازنگری در رابطه بین معلم و فراگیران را به صورتی ویژه مدنظر قرار می‌دهد. در چنین موقعیتی مدیریت کلاس مبتنی بر جهت‌گیری‌های انسانی در محیط کلاس است. معلم باید به دانش‌آموزان به عنوان افراد مجزا و مستقل نگاه کند و راه‌های مناسب برای پذیرش و اجرای رفتاری خاص را در هر دانش‌آموز پیدا نماید. معلم باید متوجه باشد که در واقع افکار و نگرش‌های فراگیران از طریق رفتار آشکار و پوشیده او شکل می‌گیرد و اگر نه ممکن است رفتارهای منفی را به دانش‌آموزان منتقل نماید. معلم نقش برتر و موقعیت خاصی دارد و دارای نفوذ و قدرت هست. با استفاده بیش از حد از قدرت، در میان دانش‌آموزان مقاومت منفی ایجاد می‌کند و مخالفتی را باعث می‌شود که بر یادگیری فراگیران تأثیر می‌گذارد. دانش‌آموزان می‌توانند با تشکیل گروه‌هایی علیه معلم آشوب نمایند و کلاس را از کنترل وی خارج سازند و نسبت به هنجار رعایت حرمت و قدرت معلم رفتار ناهنجار از خود نشان دهند. اگر معلم بخواهد در نقش یک معلم و مدیر کلاس مؤثر باشد باید یاد بگیرد از حداقل مقدار قدرت لازم برای به دست آوردن نتایج مطلوب استفاده کند. کسب آگاهی و افزایش معلومات، بینش معلم را افزایش داده و هوشمندی او را در روابط اجتماعی به کار می‌اندازد (نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۲:۱۲۷). در یک کلاس دانش‌آموزان پیوسته به معلم خود با روش‌های کلامی و غیر کلامی اطلاعات می‌دهند. بازی بچه‌ها و حرکات آنان پیوسته اطلاعاتی راجع به تعاملات دانش‌آموزان به معلم ارائه می‌دهد که معلمان باید نسبت به آن حساس بوده و از این اطلاعات در جهت شناخت بیشتر و برقراری ارتباط اثربخش‌تر برای رشد بیشتر و بهتر فراگیران استفاده نمایند.

۲- بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های جدید و تنها با پذیرش این نکته که هدف از تعلیم و تربیت رشد همه‌جانبه انسان‌هاست در این صورت نیز باید رابطه بین معلم و فراگیران را به صورتی مورد بازنگری قرار داد که به هدف تعلیم و تربیت دست یابیم. بر

اساس تحقیقات انجام گرفته این مسئله که فراگیران در فعالیت‌های آموزشی درگیر شوند و همان گونه که معلم از آن‌ها انتظار دارد به صورت موفقیت آمیز فعالیت‌ها را تکمیل نماید بستگی به درک آنان از کیفیت رفتارهای کنترلی معلم دارد (بروک و دیگران، ۲۰۰۴:۴۲۶). در تحقیق دیگر بروک (۲۰۰۱) به این نتیجه رسید که نوع فعالیت‌های یادگیری (شناختی، عاطفی و فراشناختی) و مقدار کنترل معلم از عوامل بسیار موثر و اثر گذار بر فرایند آموزش و یادگیری هستند. متأسفانه نظام‌های آموزشی از گذشته این مسئله را به ارث برده‌اند که معلم باید قدرت بلامنازع کلاس باشد. البته این نکته می‌تواند به عنوان یک نکته مثبت در فرایند تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار گیرد اما متأسفانه شکل دهی اقتدار معلم با ترس و اجبار صرف نظر از عوارض منفی دیگر، حداقل زمینه‌ساز رشد افراد نخواهد شد و همین امر باعث شده که معلم به صورت یکسویه در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به کلاس شرکت کرده و فراگیران را مجبور به پذیرش فعالیت‌ها و رفتارهای مورد نظر خویش نماید. در این صورت نیز باید رابطه بین معلم و فراگیر به گونه‌ای تعریف شود که موجبات رشد همه جانبه فرد را مهیا سازد یا حداقل این رابطه بازدارنده نباشد. روشن است که رابطه بین معلم و فراگیر مسئله‌ای است که باید حل گردد. با توجه به اینکه این رابطه دو طرف درگیر دارد پس می‌توان گفت که مسئله تحت‌تأثیر دو فرد است، یعنی اگر ما مسئله‌ای داریم این مسئله یا از سوی معلم است یا فراگیر و یا هر دو. با توضیح و تبیین مشکلات معلم و سپس فراگیر قطعاً مشکلات هر دوی آن‌ها نیز مشخص خواهد شد. البته اولین گام در این راه این است که معلمان باید مشخص کنند که چگونه در کلاس راهنمایی‌هایی را ارائه دهند و از اطلاعات چگونه استفاده کنند. معلم باید قادر به توصیف دقیق و تخصصی رفتارهایی که به آن‌ها اشاره می‌کند باشد و روشن نماید که چگونه دانش‌آموزان می‌توانند الگوی کاربرد رفتارهای مطلوب در کلاس باشند (اورستون^۱، ۱۹۹۵).

اصطلاح‌های نظم و مدیریت کلاس در این جا با آن چه در تصور دیگران است عملاً متفاوت است. در نظم نشان دادن واکنش و رفتارهای معلم مدنظر است در حالی از نظر ما در مدیریت کلاس عملکرد فعالانه‌ی معلم و دانش‌آموزان مدنظر است. اگر چه فعال بودن دانش‌آموزان واکنش‌پذیری را کاهش می‌دهد ولی خلاقیت و مسئولیت‌پذیری آنان را رشد می‌دهد (اورلیچ و دیگران، ۱۹۹۸).

هدف قوانین مدرسه و کلاس افزایش پیشرفت اجتماعی و علمی دانش‌آموزان است (کانجלוسی^۲، ۱۹۹۰). معلمانی مدیرانی مؤثر به حساب می‌آیند که به فراگیرانشان یاد می‌دهند چطور به قوانین عمل کنند و عمل به آن را ادامه دهند. نقطه شروع، قوانین ضروری و فوری هستند که دانش‌آموز هر روز با آن سروکار دارد. معلمان مؤثر قوانین را به روشنی بیان می‌کنند و آن‌ها را پیوسته اجرا می‌کنند. در شروع و پایان کلاس به حل مشکلات رفتاری دانش‌آموزان کمک می‌کنند و قوانینی برای کارهای عادی کلاس می‌سازند.

در قوانین کلاسی کارهای عادی کلاس سازمان‌دهی می‌شود که از آن جمله می‌توان به توزیع مواد، سنجش پیشرفت در فعالیت‌های جدید، شروع و پایان کلاس، گرفتن اجازه برای رفتن به دستشویی و انجام دادن کارهایی مثل اجازه گرفتن برای تیز کردن مداد می‌توان اشاره کرد (دویل^۳، ۱۹۸۵). سادگی، در فهم و عمل به قوانین مؤثر است. اگر قوانین پیچیده باشند معلم قادر به اجرای آن‌ها نخواهد بود و دانش‌آموزان گیج خواهند شد و مفهوم قوانین برای آنان نامشخص است. بنابراین سادگی قوانین به معلم اجازه می‌دهد به آسانی آن‌ها را توضیح داده و قوانین اجرا شوند.

^۱ - Everston

^۲ - Cangelosi

^۳ - Doyle

معلمان موفق شیوه‌های تدریس و کنترل کلاس را در آغاز سال تحصیلی با دانش‌آموزان خود به بحث و تبادل نظر می‌گذارند و فرصت‌هایی را فراهم می‌کنند تا دانش‌آموزان قوانین را با سؤال در مورد آن‌ها خوب بفهمند (لومباردی^۱، ۱۹۹۲، تاوبر^۲، ۱۹۹۰). در خلال اولین روزهای مدرسه فراگیران نیاز به بازخورد بیش‌تری دارند. معلم باید انتظاراتش را بیان کرده و به دانش‌آموزان بازخورد صحیح و مثبت بدهد با این کار در پایان هفته سوم و چهارم سال تحصیلی انتظارات مستقیم‌تر و کوتاه‌تر شده و تذکرات معلم به دانش‌آموزان کلاس کاهش یافته و بازده کلاس افزایش یافته است (اورستون و دیگران، ۱۹۹۲).

جهت‌دهی روشن و واضح به فعالیت‌های فراگیران یکی از مهم‌ترین عملکردهای معلم است (لانگ^۳، ۱۹۸۵). اگر چه جهت‌دهی‌های آموزشی باید مختصر و واضح باشند ولی با توجه به اهمیت جهت‌دهی‌ها، آن‌ها باید مثبت باشند. جهت‌دهی‌های منفی نظیر، "بس است" یا "برو بیرون"، باعث ایجاد روحیه شکست در دانش‌آموزان می‌شود و تا حد امکان باید از جهت‌دهی‌های منفی اجتناب نمود.

معلمان مؤثر رفتار دانش‌آموزان را در کلاس درس خود به تصویر می‌کشند. آن‌ها به هر دانش‌آموزی مسئولیتی برای انجام کار در خلال فعالیت یادگیری ارائه می‌دهند و سپس تصویری برای آن چه که دانش‌آموز باید عملاً انجام دهد، به وجود می‌آورند. این معلمان دانش‌آموزان را به شدت بر می‌انگیزند و آنان را برای رشد بیش‌تر آماده می‌کنند چنانچه کلاس یکی از راه‌بردهای مهم در تصویرسازی معلم است. چنانچه منظم نیمکت و میزها در کلاس جو خوبی برای یادگیری فراهم می‌کند که استفاده مؤثر از وقت را در کلاس بالا می‌برد.

برای این که معلم بتواند تمام دانش‌آموزان را ببیند نیمکت‌ها باید به صورت یو (U) شکل یا به صورت یک دایره چیده شوند. این کار باعث می‌شود معلم با نشستن در یک نقطه همه آن‌ها را ببیند و با آن‌ها تعامل چهره به چهره داشته باشد و همچنین به راحتی و به آسانی به تک تک دانش‌آموزان نزدیک شود و فعالیت‌های آن‌ها را مشاهده نماید و این وضعیت جهت‌دهی فراگیران را مؤثرتر و راحت‌تر می‌سازد. شاید دو جنبه در مرتب‌سازی کلاس از همه مهم‌تر باشد:

۱- توانایی و تسلط دید معلم به طوری که همیشه همه‌ی دانش‌آموزان را ببیند.

۲- بهبود وضعیت رفت و آمد در کلاس، به طوری که معلم قادر باشد به سادگی با حرکت به موقع از بسیاری از مشکلات جلوگیری کند.

پرسش کردن نیز یکی از راه‌بردهای اثربخش است و برای این کار معلم به اطراف کلاس نگاه می‌کند و به دنبال یک نفر می‌گردد تا یکی از داوطلبان یا اعضا را صدا کند این در حالی است که معلم همه افراد را می‌بیند و این مسئله که چه کسی را صدا می‌کند از طرف دانش‌آموزان قابل پیش‌بینی نیست (اورلیچ و دیگران، ۱۹۹۸). این امر به مدیریت کلاس و ایجاد نظم دموکراتیک کمک کرده و زمینه‌ساز برقراری ارتباط و تعامل سازنده در کلاس بوده و بسیاری از موانع و مشکلات موجود در سر راه آموزش مفید و اثربخش را از بین می‌برد. معلم همچنین در برخورد با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان کلاس‌های درس‌شان، تصمیم‌های متعدد و متنوع آموزشی می‌گیرند. شریف، مصطفی (۱۳۸۹)، این تصمیم‌گیری‌ها را در سه سطح سطح‌بندی می‌کند. سطح اول تصمیم‌گیری به انتخاب هدفهای برنامه‌درسی، محتوای برنامه‌درسی، عنوانهای درسی، مرکزهای سازمان‌دهنده فعالیت‌های یاددهی و تجربه‌های یادگیری، شیوه‌ها و رویه‌های مناسب و متناسب یاددهی و یادگیری و طرح ارزشیابی مطلوب، مربوط می‌باشد. سطح دوم تصمیم‌گیری، به چگونگی دریافت و بازشناسی تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و توجه و عنایت نسبت به آنها، چگونگی

^۱ - Lombardi

^۲ - Tauber

^۳ - Long

تعیین و تجویز نقشهای معلمان و دانش آموزان، و چگونگی هدایت و راهبری پویایی‌های درون فردی و میان فردی درون کلاسهای درس در راستای هدفهای بسنده شخصی، آموزشی و اجتماعی، مربوط می‌باشد. سطح سوم تصمیم‌گیری به روشها و شیوه‌های گروه‌بندی معلمان و دانش آموزان، شیوه‌ها و رویه‌های استفاده از زمان و مکان و راه و روش‌های دستیابی و تأمین ماده‌های آموزشی و مرتبط‌سازی آنها مربوط می‌شود.

مشکلات معلم در برقراری رابطه اثربخش با فراگیران:

ممکن است فراگیران در برقراری ارتباط مشکلاتی داشته باشند که در جای خود به این مسئله خواهیم پرداخت اما مشکلات معلم به دلیل اینکه معلمان اغلب از تخصص و دانش برخوردار بوده و به دلیل فاصله سنی بیشتر از تجارب بیشتری برخوردار هستند مهم‌تر به نظر می‌رسد. در واقع هیچ‌کس از یک فراگیر ۱۰ ساله انتظار ندارد که در رابطه خود با دیگران صحیح عمل نماید به خصوص موقعی که هیچ‌کس طرز تعامل صحیح را به وی یاد نداده و حتی افراد گاهی با برخوردهای ناصحیح خود طرز عمل و تعامل را (ناآگاهانه) غلط یاد داده‌اند. مشکلات معلم در برقراری رابطه با فراگیر به گونه‌ای که موجبات رشد فراگیر را مهیا سازد و به صورت مثبت اثرگذار باشد از چند زمینه بر می‌خیزد:

۱- مشکلات شخصیتی معلم:

برخی از مسایل و مشکلاتی که معلم با خود سر کلاس برده و زمینه‌ساز مشکلات عدیده دیگر در فرایند آموزش گردیده ناشی از مشکلات شخصیتی معلم است. با توجه به اینکه امر تعلیم و تربیت یکی از دشوارترین کارهای بشری است چنانچه کانت و اندیشمندان مسلمان بر این نکته تأکید کرده‌اند لذا افرادی باید برای این کار به کار گرفته شوند که در عین حالی که از سلامت روانی و شخصیتی برخوردار بوده، طرز تعامل صحیح و منطقی را به گونه‌ای یاد گرفته باشند که این امر جز شخصیت آنها گردد. افراد معمولاً در اندیشه طرز رفتار، تعامل و کار صحیح را می‌دانند و در عمل در اثر عادات، تجارب و شاکله‌ی شخصیتی خویش نادرست عمل می‌نمایند که می‌توان گفت مشکل شخصیتی دارند. معلمان اغلب آگاهی ندارند که ممکن است نسبت به برخی از دانش آموزان به دلیل جنسیت، نژاد یا زمینه نژادی یا سطح هوششان تعصب داشته باشند این تعصب در برخی کلاس‌ها مشکلاتی را ایجاد می‌کند مثلاً نگرش دانش آموزان مؤنث نسبت به کلاس‌های علوم دبیرستان منفی‌تر از نگرش پسران است (بیکر، ۱۹۸۸). تعاملات علمی دختران در طول کلاس‌های راهنمایی کاهش می‌یابد انتظارات معلمین پسران را راضی و خشنود نگه می‌دارد و اقلیت‌های نژادی بیش‌تر از اکثریت نژادی در کلاس رد می‌شوند (گود و برافی، ۱۹۹۴). هر چند این استنتاج‌ها نتایج مطالعات در کشور آمریکا است اما بسیاری از معلمین در تصمیمات خود و برخوردهای خود نسبت به برخی مسایل و افراد با تعصب برخورد می‌کنند برای اینکه یک معلم بی‌تعصب شود، خودش یا کس دیگری می‌تواند تعاملات وی را با دانش آموزان به صورتی چارتری ترسیم نماید. بازخوردهای مثبت و منفی، راهنمایی‌های غیر کلامی و غیره را جدول‌بندی کند. به طور کلی معلم باید محیط کلاس را با اجرای عدالت برای همه مطلوب سازد.

بیش‌تر معلمان از کار با دانش آموزان سطح بالا لذت می‌برند. دانش آموزان مستعد از لحاظ علمی به خودشان آموزش می‌دهند. بنابراین برخی معلمان از درجه‌بندی استفاده می‌کنند. اما آن‌هایی که دانش آموزانی با درجه‌بندی پایین دارند انتظار ندارند

^۱- Baker

^۲- Good and Braphy

خیلی از درجه‌بندی استفاده نمایند وقتی دانش‌آموزان در یک درجه‌بندی قرار بگیرند ممکن است در طول ۱۲ سال تحصیل در همان سطح باقی بمانند.

جالب‌ترین شواهد علیه درجه‌بندی دانش‌آموزان از مطالعات آدام گاموران و مارک برندز^۱ (۱۹۸۸) به دست می‌آیند. آن‌ها نتیجه گرفتند که درجه‌بندی دانش‌آموزان درجه بالا، باعث ایجاد نابرابری‌ها در پیشرفت و ایجاد اخلاقیات ضعیف در بین معلمان و دیگر دانش‌آموزان می‌شود. معمولاً معلمان کار در کلاس‌ها با دانش‌آموزان با توانایی‌های پایین را دوست ندارند و وقت کم‌تری برای آماده کردن آن‌ان می‌گذرانند و فعالیت‌های کوشش برانگیز کم‌تر یا برنامه کم‌تر جالب برای آن‌ان فراهم می‌کنند (گود و برافی ۱۹۹۴). دانش‌آموزان سطح پایین صرفاً با کارهای نامربوط مشغول نگهداشته می‌شوند. دانش‌آموزان سطح بالا نسبت به مدرسه نگرش‌های بهتر و عادت‌های کار بهتری دارند.

چنین مواردی از دو جهت قابل حل است ۱- هنگام استخدام و انتخاب افراد برای امر معلمی با اجرای آزمون‌های مختلفی افرادی برای این کار در نظر گرفته شوند که حتی‌المقدور از ثبات و سلامت شخصیت برخوردار باشند تا بتوانند با تعامل و برخورد صحیح خویش موجبات رشد همه جانبه فراگیران را مهیا سازند ۲- با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت و حتی‌المقدور کارگاهی نحوه‌ی تعامل صحیح با دیگران به آنها یاد داده شود. البته در این زمینه باید تدابیری اندیشیده شود. برای مثال با سخنرانی کردن راجع به این مسئله هیچ معلمی نمی‌تواند مشکلات رفتاری خود را حل نماید، بلکه باید طرز تعامل و برخورد صحیح به صورت غیر مستقیم و عملی به وی یاد داده شود و او به لحاظ روانی نیز آمادگی پذیرش این تغییر در رفتار داشته باشد.

۲- مشکلات سازمانی معلم:

برخی از مسایل و مشکلاتی که معلم دارد برخاسته از فضای سازمانی و جوی است که بر نظام آموزشی حاکم است. متأسفانه سازمانی که با هدف تربیت و آموزشی و رشد فراگیران به وجود آمده به خاطر ندانم‌کاری‌ها و اعمال غلط به سمتی رفته که جوی خاص بر آن حاکم شده است. استفاده از افراد نالایق به عنوان مدیر، عدم توجه به نیروهای فعال و مثبت، عدم فضا سازی برای بروز استعداد های کارکنان، عدم توجه به توانایی‌ها و استعداد های کارکنان موجب شده تا اکثریت معلمان نظام آموزشی با نارضایتی وارد کلاس شوند این نارضایتی که بر جسم و روح آنان سایه افکنده و وجود آنها را فرا گرفته آمادگی آنها را برای برخورد ناصواب صددرصد ساخته است. در چنین وضعیتی نمی‌توان از معلم انتظار برخورد و تعامل صحیح و منطقی داشت. بسیاری از برخوردها و اعمال برخاسته از شرایط نابسامان موجود در سیستم است. برای حل اینگونه مشکلات نیز چندین راه‌حل وجود دارد: ۱- برنامه‌ریزان و نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت کشور با طراحی مدل‌ها و نظریه‌ها و برنامه‌ها زمینه را برای رشد افراد فعال و مثبت درون نظام آموزشی مهیا ساخته و مناصب مدیریتی موجود به افراد شایسته درون سیستم واگذار گردد تا از این طریق افراد بیاموزند تنها راه پیشرفت عمل صحیح و درست در کار خود است، ۲- حتی‌المقدور برنامه‌ریزان این حوزه با طراحی برنامه‌هایی زمینه توجه به کارکنان توانمند و با استعداد را مهیا ساخته و سعی نمایند در امور مختلف از توانایی این معلمان بهره گیرند. متأسفانه عدم توجه به معلمان از دلایل اصلی نارضایتی آنان است و این امر در تمام مسایل نظام آموزشی تاثیر منفی می‌گذارد.

^۱ - Adam Gamoran and Mark Berends

۳- مشکلات دانشی و تخصصی معلم:

پاره‌ای از مشکلات موجود معلم در این حوزه نه به دلیل مشکلات شخصیتی و نه به دلیل مسایل جو سازمانی بلکه به دلیل عدم آگاهی معلمان است. بسیاری از معلمان هستند که به کار خود علاقه‌مند بوده و به لحاظ شخصیتی نیز از سلامت برخوردار هستند اما اطلاعات و دانش کافی در زمینه برقراری رابطه مناسب با فراگیر و طرز عمل و برخورد صحیح با فراگیران در موقعیت مختلف را ندارند. عبادی و الهام‌پور (۱۳۸۶)، در پژوهشی به بررسی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان معلمان حق‌التدریس پاره وقت، سرباز معلم و رسمی در دروس ریاضی و علوم پایه پنجم ابتدایی شهرستان اهواز پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که عملکرد تحصیلی (در دروس ریاضی و علوم) دانش‌آموزانی که معلم آنها رسمی بوده است از دانش‌آموزان معلمان حق‌التدریس پاره وقت و سرباز معلم بیشتر است. البته اکثر معلمان در نظام آموزشی ما با گذراندن دوره‌های مختلف وارد این کار شده‌اند اما گذراندن یک دوره دلیل بر مسلط شدن معلم بر مسایل مختلف نیست به خصوص موقعی که افراد برگزارکننده دوره خود نیز از دانش و تخصص کافی در حوزه مورد نظر برخوردار نباشند. برای حل مشکلات باید با انجام نیازسنجی‌های مداوم دوره‌های مفید و موثری برای رشد معلمان در زمینه‌هایی که نیاز به رشد دارند طراحی گردد البته هم در طراحی این دوره‌ها و هم در اجرای آنها باید از افراد صاحب‌نظر و افرادی که توانایی این کار را دارند بهره گرفت متأسفانه دوره‌های ضمن خدمتی که با هدف افزایش دانش و اطلاعات معلمان برگزار می‌گردد در اکثر موارد به فضایی برای دریافت اضافه کار افراد به ظاهر متخصص تبدیل شده و به اهداف از پیش تعیین شده این دوره‌ها توجهی نمی‌شود.

همچنین ترغیب معلمان به داشتن طرح در سهای سالانه، ماهیانه، هفتگی و حتی روزانه می‌تواند در رفع این مشکل و هدایت فرایند تعلیم و تربیت به سمت اهداف مطلوب مؤثر باشد. طرح درس یک ابزار فوق العاده مفید است که محتوی، منابع، زمان و نحوه عملکرد معلم و شاگرد را با توجه به اهداف و شرایط خاص کلاسی فراهم می‌نماید. تصمیم در مورد تدریس چه مطلبی، چگونه و طی چه مدت زمانی از مؤلفه‌های اساسی طرح درس می‌باشد (سلس-مورسیا، ماریان، نقل از جنسون، لیندا، ۲۰۰۱: ۴۰۱).

۴- مشکلات اجتماعی معلمان:

پاره‌ای از مشکلات معلمان مشکلاتی است که به محیط معلم بر می‌گردد. هر چند فضا و جو سازمانی نیز محیط معلم را شامل می‌شود اما فضای سازمانی محیط شغلی فرد را در بر می‌گیرد ولی معمولاً افراد تحت تاثیر محیطی فراتر از محیط شغلی خود هستند محیط اجتماعی، محیط خانوادگی و جامعه را شامل می‌گردد. بدیهی است که هر معلمی در زندگی شخصی خویش همانند سایر افراد جامعه با مسایل و مشکلاتی روبرو می‌شود که برخی از آنها زمینه نارضایتی یا عدم تعادل روانی فرد را در مهیا می‌سازند و این امر مسایلی در هنگام تصمیم‌گیری، برخورد و تعاملات به وجود می‌آورد. هیچ کس نمی‌تواند از معلمان انتظار داشته باشد که مشکلات خود را بیرون کلاس گذاشته و با فراغت بال وارد کلاس شوند. وقتی معلمی در خانواده خود مشکلی دارد قطعاً این مشکل بر تعامل، تدریس و سایر رفتارهای وی اثر خواهد گذاشت، اما با توجه به بحث این نوشته که رابطه صحیح و موثر و سازنده بین معلم و فراگیران است قطعاً اینگونه مشکلات بر شکل‌گیری و نحوه‌ی رابطه اثر خواهد گذاشت. برای حل این مشکل نیز مسئولین امر باید با اندیشیدن تدابیری راه بروز این مشکلات را بسته یا حداقل زمینه‌ای مهیا سازند که اینگونه مشکلات معلم به حداقل ممکن برسد تا معلم با فراغت بال در کلاس حاضر شده و تمام فکر و ذکر او به فراگیران و نحوه‌ی برخورد صحیح با آنها باشد.

مشکلات فراگیر در برقراری رابطه موثر با معلم و دیگران:

البته بعضی اوقات مشکلات رابطه فراگیر و معلم به معلم بر نمی‌گردد بلکه دانش‌آموز مشکلات و مسایلی را با خود به سر کلاس می‌آورد که رابطه را تحت تاثیر قرار داده و رابطه به جای آن که یک رابطه سازنده و مثبت باشد به برخوردها و تعاملات منفی تبدیل شده و بازدارنده رشد فراگیران می‌گردد. این مشکلات و مسایل نیز مثل مشکلات معلم قابل دسته‌بندی است یعنی مشکلات دانش‌آموز خود می‌تواند به چند دسته تقسیم شود.

۱- مشکلات درون مدرسه:

برخی از مشکلات فراگیران ناشی از محیط و جو مدرسه است یعنی بعضی اوقات مشکلات ناشی از جو و محیط مدرسه است برای مثال معلم با مشکلات مختلفی که دارد به جای آنکه زمینه‌ساز رشد و رابطه بهینه گردد مشکلاتی را به وجود می‌آورد البته مشکلات مربوط به جو مدرسه تنها ناشی از مشکلات معلم نیست در واقع این مسایل را نیز می‌توان به زیر دسته‌هایی تقسیم کرد.

الف) مشکلاتی ناشی از مشکلات معلمان:

این مشکلات را معلم برای فراگیران به وجود می‌آورد. در واقع این مسایل همان مسایلی است که در بالا به دلیل اهمیت نقش معلم در تربیت فراگیران به صورت مفصل مورد بحث قرار گرفت.

ب) مشکلات ناشی از جو و محیط مدرسه:

بعضی اوقات فراگیر مشکلی را با خود به داخل مدرسه و کلاس نمی‌آورد و معلم نیز مشکلی ندارد ولی جو مدرسه و شرایط مهیا شده از سوی نظام آموزشی مشکل‌ساز است. برای مثال برنامه‌های تدارک دیده شده به گونه‌ای است که دردرساز می‌گردد؛ برنامه‌ها برای برخی از فراگیران قابل درک نیست و از طرف دیگر برای برخی فوق‌العاده آسان و پیش پا افتاده است که این امر موجب بروز مشکلاتی می‌گردد. راه حل چنین مشکلات انعطاف دادن به برنامه‌ها، تلاش برای متنوع کردن برنامه‌ها و انفرادی‌سازی آموزش یا طراحی برنامه‌های متفاوت و آزاد گذاشتن معلم برای انتخاب برنامه‌های متنوع برای یک کلاس واحد با توجه به توانایی‌ها و استعدادهای آنان است. در پژوهشی در همین زمینه بلچفورد^۱ (۲۰۰۳:۵۶۹) به این نتیجه رسید که اندازه‌ی کلاس (بزرگ در پژوهش مورد نظر ۳۳ نفری و کوچک ۱۹ نفری) بر تعاملات بین معلم و فراگیران و خود فراگیران و پیشرفت تحصیلی و رشد عاطفی آنان اثر می‌گذارد. یکی از راه‌های هدایت، کنترل و اداره‌ی ارتباطات در کلاس، «فرآیند پرسش سؤال» است. برای برقراری نظم، ارتباط و تعامل سازنده در کلاس «فرآیند پرسش سؤال» نقش مهمی بازی می‌کند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که پرسیدن سوال یک بُعد مهم یادگیری مؤثر است. در دهه‌های گذشته، تأکید و توجه زیادی به استفاده‌ی مؤثر از سؤالات، به عنوان مهارت آموزش کلیدی شده است (پروت^۲، ۱۹۸۲). با در نظر گرفتن نوع سؤالاتی که معلم می‌پرسد، می‌توان فهمید که معلم چه نوع ارتباطی را از شاگرد مورد سؤال انتظار دارد. «سؤال»، معمولاً یک نقش انتقادی در آموزش دارد و معلمان باید در فرآیند آزمون‌سازی، دانش و اطلاعات کافی داشته باشند تا بتوانند دانش‌آموزان را از طریق فرآیندهای سؤال، با تفکر برانگیزترین و بامعناترین حالت به اهداف مورد نظر راهنمایی نمایند. این بدان معناست که معلمان باید سؤالاتی را طرح نمایند که به دانش‌آموزان کمک کنند تا اهداف خاصی (یعنی اهداف و نتایج) را از یک درس خاص به دست آورند (نصرآبادی

۱ - Blatchford

۲ - Perrott

و نوروزی، ۱۳۸۴). اگرچه سئوالات نوشته شده در کتاب‌های درسی و امتحانات، به فرآیند یادگیری کمک می‌کند اما اغلب سئوالات کلاس شفاهی هستند و معلم شخصاً آن‌ها را می‌سازد. در حقیقت سئوالات عنصری انتقادی هستند که معلمان برای تحریک و برانگیختن تفکر دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌دهند (چاسکا^۱، ۱۹۹۵). نحوه‌ی پرسیدن سؤال می‌تواند زمینه‌ساز نظم دموکراتیک و تعاملات مثبت و روابط اثربخش باشد یا نظم کلاس را بر هم زده و مشکلاتی را به وجود آورد. معلم باید با مطالعه‌ی دقیق رفتار خود، رفتارهای مثبت به هنگام سؤال پرسیدن را شناسایی کرده و از این امر در جهت رشد علمی، روانی و اجتماعی فراگیران استفاده نماید.

ج) مشکلات ناشی از فراگیران دیگر

برخی اوقات نیز محیط مدرسه، معلم مشکل‌ساز نیست بلکه فراگیران دیگر مشکلاتی را با خود مدرسه و کلاس آورده و مسئله می‌آفرینند. این مشکلات نیز قابل دسته‌بندی هستند که برای جلوگیری از اطلاع کلام از توضیح زیر دسته‌های آن اجتناب کرده و فقط راه حل ممکن این دسته بیان می‌گردد. زمانی که معلم راه بردهای مدیریت کلاس درس را پایه‌ریزی می‌کند، باید به خاطر داشته باشد که دانش‌آموزان (به عنوان اکثریت کلاس) انسان‌های عاقلی هستند که بسیار مشتاقند که کلاس‌هایی با همکاری و مشارکت و مکان‌های مطلوبی را ایجاد نمایند که در آن جا یاد بگیرند (جانسون و جانسون^۲، ۱۹۸۹). فراهم سازی زمینه‌ی مشارکت برای دانش‌آموزان جهت کمک به شخصی کردن قوانین و ضوابط فعالیت‌های کلاس یکی از وظایف مهم معلم است. او باید کمک کند که از مشکلات اداره کلاس به سه طریق کاسته و جلوگیری شود.

۱- شرایطی را برای اجرای عدالت در کلاس از طریق فرآیند احترام و درک متقابل به وجود آورد.

۲- وقتی که دانش‌آموزان در تنظیم و وضع قوانین کلاس مشارکت داشته باشند علاقه بیش تری به حفظ و بقاء این نظم نشان می‌دهند پس این امکان را برای آنان فراهم کند.

۳- وقتی که دانش‌آموزان به گسترش و توسعه نظم و مقررات کمک بکنند لزوم آن را در زندگی بیش تر احساس می‌کنند و به معنادار بودن آن بیش تر پی می‌برند. اول اینکه معلم باید نظم کلاس را تا حد امکان واضح بیان کند تا دانش‌آموزان در مورد این که مقررات چیستند یا این که آن‌ها باید سعی در انجام چه کاری داشته باشند، گیج یا گمراه نشوند. دانش‌آموزان باید علت این که عدالت برای همه مهم است را بدانند.

دوم این که او باید نظم کلاس درس را با رعایت انصاف حفظ کند. اگر که وضع مقرراتی ضروری و اساسی است، ثبات عمل باید برای هر یک از دانش‌آموزان کلاس در سراسر سال تحصیلی وجود داشته باشد. دانش‌آموزان باید به صورت واضح و بدیهی دریابند که چه رفتارهای منافی انصاف و همکاری در کلاس درس و در اجتماع بیرون از مدرسه وجود دارد.

سوم این که او باید از نظم و مقررات کلاس درس استفاده کند، تا یک روال کلی و عادت شود. وقتی که مقررات به وضوح بیان شوند و به نسبت حفظ شوند دانش‌آموزان می‌فهمند که از آن‌ها چه انتظاری در کلاس می‌رود. وقتی یک عادت در کلاس پایه‌ریزی شود، انحراف از این عادت خیلی سخت است و بنابراین از لحاظ فنون مدیریت کلاس قابل کنترل است. همچنین چنین عادتی اگر بر پایه درک و فهم باشند غالباً عادات رفتاری می‌شوند که توسط دانش‌آموزان در تمام روز در مدرسه رعایت می‌شوند. بالاخره معلم و کلاس باید تا حدی که ممکن است قانونمندی فراهم نمایند و انصاف و عدالت باید یک ایده‌آل ساده باشد. در یک تحقیق طولی، محققان به این نتیجه رسیدند که فراگیرانی که دوست دارند، بیش تر و بهتر از افرادی که تنها هستند

^۱ - Chuska

^۲ - Johnson and Johnson

رفتارهای اجتماعی، پیشرفت علمی و برخوردهای عاطفی مناسب را از خود نشان می‌دهند. (ونتزل، بری و کلدول^۱، ۲۰۰۴، ص ۱۹۵). آموزه "توجه به دیگران" در پست‌مدرنیسم در پی رفع همین مشکل است. آنها معتقدند که مدارس [دانش‌آموزان] باید خود را برای شنیدن صداهای دیگران آماده کنند (بیرمی‌پور، علی و نصرآبادی، ۱۳۸۹).

۲. مشکلات بیرون مدرسه:

برخی مشکلات فراگیران نیز هیچ ربطی به مدرسه و فراگیران دیگر ندارد، بلکه فراگیر به صورت شخصی مشکلاتی را با خود به مدرسه می‌آورد که مانعی برای ایجاد رابطه مطلوب و موثر هستند این مشکلات نیز قابل دسته‌بندی است.

الف) مشکلات ناشی از خانواده

پاره‌ای از مشکلات موجود در سر راه برقراری ارتباط موثر یا بازدارنده این ارتباط مربوط به فراگیر به مشکلات خانوادگی بر می‌گردد. یعنی فراگیر به دلایل مختلف خانوادگی (اقتصادی، فرهنگی و ...) مشکلاتی را با خود به سر کلاس می‌آورد که این معضلات مانعی برای برقراری رابطه موثر و مفید بین فراگیر و معلم و فراگیران است. دانش‌آموزی که در یک خانواده‌ی از هم پاشیده زندگی می‌کند قطعاً در سر کلاس، در مدرسه و جامعه نیز دردمس‌آفرین خواهد بود. وظیفه‌ی معلم آن است که با شناسایی اینگونه دانش‌آموزان تا حد ممکن از بروز مسئله جلوگیری نماید؛ در واقع در زمینه این دسته از مشکلات بیش‌تر از راه حل باید پیشگیری کرد و با مطالعه و شناسایی این افراد آنها را خلع سلاح کرد و با برخوردهای صحیح و سازنده متناسب با مشکلات فرد راه بروز مشکل را بست و اجازه دردمس‌سازی به این افراد نداد. اگر معلم می‌خواهد که یک تجربه کلاسی رضایتبخش و مطلوب، پربار و موفق تحصیلی داشته باشد باید از والدین کمک گرفته و آنها را در امور فرزندان خود دخالت دهد. والدین بطور فعال پیشرفت بچه‌های خود را دنبال می‌کنند. انتظارات مدارس را تقویت می‌کنند و مشارکت بچه را مورد حمایت خود قرار می‌دهند. برای والدین دانش‌آموزان مشکل‌دار و مشکل‌ساز بعید است که در نیل به اهداف آموزشی و پرورشی فرزندان خود تلاش نمایند.

تحقیقات نشان می‌دهد که رفتارهای منفی والدین (همچون کنترل‌های روانی، نگرانی‌های مالی، ابراز زورمندی و...) با رشته‌ای از نتایج ضعیف از جمله طبع عاطفی منفی، زودرنجی و مستعد ناکامی بودن در بین فرزندان همراه است (مریلین، ج. اسکس و دیگران، ۲۰۱۱: ۱۵۰). اما رفتارهای مثبت والدین (برای مثال، حساسیت مالی، نظم مثبت، و روابط امن و سالم والدین با فرزندان) نتایج بهتری را در بین فرزندان در بر خواهد داشت (همان).

نمونه‌های کمی از والدین هستند که می‌توانند تصمیم‌گیری را در مورد این که چه نقشی را آنها باید در سیر تربیتی فرزندان‌شان ایفا نمایند، پی‌گیری کنند. والدین خود به چند دسته تقسیم می‌شوند و هر کدام دیدگاه‌ها و مشکلات خاص خود را دارند:

والدین شاغل: این امر که هر دوی والدین شاغل باشند در دنیای امروز یک چیز عادی به حساب می‌آید این والدین وقت کم و حتی انرژی کم‌تری را برای کنترل و بررسی کارهای تربیتی بچه‌ها می‌گذارند، از گزارشات مدرسه چیزی نمی‌خواهند و نمی‌پرسند و همچنین در ارتباط با فعالیت‌ها و تکالیف کلاس یا فعالیت‌های مدرسه چیزی نمی‌پرسند. معلم باید آنها را دعوت کند و منتظر شرکت آنها نباشد: بیرون برود و آنها را بیاورد. چنین کاری موجب توقف کم‌تری در پیشرفت و نیل به وضعیت بهتر می‌شود. معلمین دبیرستان بیش‌تر با عدم مشارکت و عدم فعالیت والدین روبرو هستند و امیدوار به شرکت آنها می‌باشند.

هنوز معلم التزام و تعهد اخلاقی دارد که والدین را از وضعیت فرزندانشان آگاه کند، والدینی هستند که به نحو فعالانه‌ای روند تعلیم و تربیت فرزندانشان را به دقت دنبال می‌کنند و آن‌ها را تشویق و ترغیب می‌کنند این والدین از معلم تقاضای توجه بیش‌تری به بچه‌هایش درخواست می‌کنند.

تک والدی: در برخی موارد فرزند با یکی از والدین زندگی می‌کند این به دلایل زیادی اتفاق می‌افتد بنابراین معلم ممکن است والدین متفاوتی را در فعالیت‌های مدرسه بیابد که باعث گیجی و گمراهی وی و در برخی موارد گمراهی بچه‌ها را به بار می‌آورد، زیرا این والدین خود مشکلات رفتاری بی‌شماری دارند که این مسئله می‌تواند بر فراگیران اثر منفی بگذارد. در مورد این والدین صرف نظر از مشکلات بچه‌ها، معلم و نظام آموزشی باید نسبت به رفتارها و مشکلات آنان نیز حساس باشد و با برگزاری جلساتی نظیر آموزش خانواده در جهت حل مشکلات آنها گام بردارد.

عدم وجود والدین: بچه‌های زیادی هم وجود دارند که به هر دلیلی با پدر و مادر خود نیستند. اینها ممکن است یا با یکی از اقوام زندگی کنند یا با یک فرد غریبه که آنها را به فرزندگی قبول کرده است. نیازی نیست که معلم در این مورد کنجکاوی کند، او تنها باید سعی نماید با کسی که سرپرستی آن‌ها را برعهده دارد رابطه‌ی مناسب برقرار نماید و نشان دهد که به بچه علاقه و توجه دارد.

برای کنترل کلاس و مدرسه لازم است که معلم با برخی انحرافات که دائماً سلامت جوانان و بچه‌های هر جامعه‌ای را تهدید می‌کنند آشنایی داشته باشند زیرا این مسایل نیز نظم و انضباط کلاس و مدرسه را به هم می‌ریزد. انحرافات فراگیر در برخی موارد از پیشرفت علمی دیگران نیز جلوگیری کرده و موجبات انحرافات دیگران را فراهم می‌کند لذا معلم باید با انحرافات جنسی، مواد مخدر و چیزهای دیگری که ممکن است بچه‌ها در معرض آن‌ها قرار گیرند آشنایی داشته باشد در ضمن ممکن است سوء استفاده‌ای از جانب معلم یا سایر پرسنل مدرسه صورت گیرد که در این صورت وظیفه مدیر است که با انحرافات برخورد قانونی نماید. اما معلم وظیفه دارد استانداردهای اخلاقی را به دانش‌آموزان بشناساند زیرا جامعه به معلم اعتماد کرده است و جوانان خود را برای تربیت به دست او سپرده است.

البته معلم باید در بررسی دانش‌آموزان مشکوک محتاط باشد. یک اتهام در عین حالی که از نظر حرفه‌ای برای وی مشکلاتی ایجاد کند ممکن است سرنوشت یک دانش‌آموز را نیز تغییر دهد. لذا در این موارد او باید با همکاران و به خصوص با مدیر مشورت نماید و او را در جریان کار قرار دهد تأثیر هر روشی که بخواهد به کار ببرد بستگی به زمان و انرژی که او در این زمینه صرف می‌کند دارد. معلم می‌تواند با رعایت موارد طرح شده محیط شاد و فعال و اخلاقی را برای آموزش فراهم نماید. او برای کنترل کلاس و همچنین افزایش یادگیری باید از روش آموزش مناسب استفاده کند. شناخت وی از دانش‌آموزان و روش‌های آموزش او را در کارش موفق‌تر خواهد کرد. معیار نهایی در هر کار آموزشی موفقیت دانش‌آموز است، لذا در انتخاب و برنامه‌ریزی موفقیت دانش‌آموز را هدف مهم خود قرار دهد. می‌توان محیط کلاس را به یک محیط جالب، مثبت و جذاب تبدیل کرد. محیط باید طوری ساخته شود که هر کس به طور فوق‌العاده انگیزه‌ی یادگیری داشته باشد از آن به خوبی استفاده نماید.

ب) مشکلات ناشی از اجتماع

پاره‌ای از مشکلات فراگیر نیز مربوط به اجتماع است. الگوهای نامناسب، دوستان و همتایان نامناسب یا مشکل‌دار و موارد دیگری که در اجتماع وجود داشته و بر فراگیر اثر می‌گذارد، می‌توانند زمینه‌ساز بروز مشکلاتی در کلاس گردند و رابطه مفید و موثر بین فراگیر و معلم را در هم ریخته و موجب به وجود آمدن موانعی برای رشد و تربیت فراگیران گردند. این مشکلات با

رشد فراگیران و رسیدن آنها به سنین بلوغ بیشتر خود را نشان می‌دهند زیرا وابستگی فرد از خانواده به سوی همالان متمایل می‌شود. در این حوزه نیز متخصصان امر جامعه‌شناسی باید با مطالعه دقیق، ریشه این نابسامانی‌ها را در جامعه پیدا کرده و تلاش نمایند این مشکلات را به صورت ریشه‌ای حل نمایند. برای مثال یکی از مسائلی که در این دسته قرار دارد و به عنوان مانعی بر سر راه مطالعه فراگیران قرار گرفته یا بازدارنده امر آموزش است توجه بیش از حد مسئولین و جامعه (شهروندان) به ورزش، ورزشکار و هنرمند است البته توجه به تمام افراد وظیفه مسئولین و جامعه است اما این توجه باید متناسب باشد همین امر موجب شده که مطالعه و درس خواندن که زمینه ساز رشد و تعالی فرد و جامعه است ارزش خود را از دست بدهد و تلاش معلم یا والدین یک خانواده برای در هم شکستن چنین وضعیتی کافی نیست و این امر مستلزم تامل همه جانبه‌ی متخصصان و مسئولین امر است. از جمله مشکلات اجتماعی بارز عصر حاضر نیز که می‌تواند از سویی تهدیدی برای برقراری رابطه مؤثر بین معلم و شاگرد واقع شود، می‌توان به پدیده‌های انفجار اطلاعات و جهانی‌شدن اشاره نمود. توسعه ابزار و وسایل ارتباطی و اطلاعاتی ممکن است عامل جذب بی‌رویه فراگیران به محیط‌های مجازی متنوع و دسترسی آنان به اطلاعات نامحدود بدون در نظر داشتن ابعاد مکانی و زمانی باشد. جهانی‌شدن یک فرایند اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که می‌خواهد یک نظام واحد از ارزشها، معانی و فعالیتها را در جنبه‌های مختلف در سطح جهانی ایجاد کند و نوعی انسجام در ابعاد مختلف از جمله تعلیم و تربیت بوجود آورد، به گونه‌ای که اهداف، برنامه‌ها، جهت‌گیریها، شیوه‌ها و محتوی تعلیم و تربیت به سمت یک نظام واحد جهانی در زمینه تعلیم و تربیت حرکت کند (کاووسی، به نقل از قاهری، راضیه، ۱۳۸۹:۸۸). البته این تحولات با تضعیف ساختارهای قبلی نظام‌های آموزشی و ایجاد چالشهای جدید همراه است (همان). از جمله این چالشها، چالش رابطه معلم و فراگیر است.

نتیجه‌گیری

اگر معلمان فکر می‌کنند که آموزش، به عنوان یک بازی اثربخش‌تر است نظر آنان کاملاً صحیح و درست است. مدرسه مکانی است که در آن افراد باید احساس کنند که محیط برای آنان لذت‌بخش است یا حداقل موجب نشاط آنان در هنگامی که مشغول یادگیری هستند، می‌شود. اگر آموزش با نشاط، بازی و خنده همراه باشد، دانش‌آموزان از آن لذت می‌برند و تمایل آنها به حضور در مدرسه و شرکت فعال در فعالیت‌های کلاس افزایش خواهد یافت. متأسفانه اکثر کلاسها نه تنها لذت‌بخش نیستند بلکه دانش‌آموزان را می‌رنجانند. برخورد معلم به جای آن که به طور مثبت تقویت‌کننده باشد، به طور منفی تقویت‌کننده است. لذا به معلمان توصیه می‌گردد با استفاده از راهکارها و شیوه‌های نوین مدیریت کلاس، محیط شاداب و با نشاطی برای یادگیری و مشارکت هر چه بیش‌تر فراگیران در تعاملات کلاسی فراهم سازند. معلمان باید از موفقیت‌های قبلی دانش‌آموزان و علائق آنها برای اصلاح روند یادگیری و رفتارهای نادرست و تعاملات غلط آنها در محیط کلاس استفاده نمایند. برای این کار، به اطلاعات زیاد در مورد فراگیران، صبر و حوصله‌ی زیاد و برنامه‌ریزی دقیق و تلاش برای اجرای دقیق برنامه‌ریزی و کنترل کیفیت اجرای کار نیاز است. تمام راه‌بردهای برقراری ارتباط اثربخش و سؤال کردن، معلمان را آمادگی انجام کار آموزش به نحو موفقیت‌آمیز می‌کنند. ارتباط عاطفی بین معلم و دانش‌آموزان بسیار ظریف و حساس است. لوسی و جُک پراندن به معلم و یا خود را به بچگی زدن، مسئله‌ی مشترکی بین همه‌ی دانش‌آموزان نیست و معلم باید بداند در چنین موقعیت‌هایی با دانش‌آموز خاطی چگونه برخورد نماید. او باید بداند که چه طور می‌تواند جلوی این عمل دانش‌آموز را بگیرد تا این که به شخصیت درونی دانش‌آموز دست یابد و مشکلات اجتماعی وی را با فرآیندهای تغییر رفتار حل نماید. معلم نباید از دانش‌آموز انتقاد نماید. یکی از اولین اهداف تربیت‌آموزشگاهی، تهیه‌ی رفتار مطلوب و مثبت و توجه به شرایط محرکات در آموزش است. آموزش با توهین و پاسخ‌های نامطلوب و منفی معلم، اثربخش نیست. دانش‌آموز با تحقیر شدن، چیزی جز تحقیر کردن معلم و تنفر از مدرسه و

آموزش را نخواهد آموخت. لذا معلم باید از هر گونه توهین و تحقیر در برابر هر گونه رفتار و پاسخ نادرستی جداً اجتناب کند. او باید در کلاس درس یک جو صمیمی و حمایتی برای دانش آموزان برقرار کند تا آن‌ها بتوانند آزادانه و بدون هیچ ترسی، رفتار و پاسخ نادرست از خود نشان دهند تا معلم فرصت اصلاح آنان را در فرایند تعلیم و تربیت داشته باشد. معلم باید از رفتار خودتان آگاه باشد و تمام حرکات و صحبت‌های وی باید تعمدی و با هدف صورت گیرد.

تمام روابط، تعاملات، پرسش‌ها و سئوالات در کلاس درس باید تجربیات سازنده، شاداب و لذت‌بخش را فراهم آورد که در آن‌ها ایده‌های فراگیران مورد احترام و با ارزش شمرده می‌شود. در این صورت علاقه‌ی دانش آموز تحریک می‌شود و ذهن آن‌ها برای فعالیت بیش‌تر آماده می‌گردد. فعالیت دانش آموزان، علاوه بر آن که از روش‌های مؤثر برای موفقیت دانش آموزان در زمینه‌ی تحصیل هستند، آن‌ها را در زندگی اجتماعی بعد از تحصیل نیز موفق خواهد ساخت. معلمان باید سعی نمایند فرهنگ عقلانی - عاطفی را بر مدرسه حاکم سازند تا دانش آموزان بهتر و مؤثرتر در یادگیری خودشان مداخله نمایند و لذت ببرند و نحوه تعامل صحیح و منطقی را برای زندگی پس از مدرسه بیاموزند.

در نمودار زیر مسایل موجود بر سر راه برقراری رابطه صحیح و تعامل سازنده که خود زمینه ساز رشد و تربیت فراگیران است را مشاهده می‌کنید.

مسایل موجود

مسایل مربوط به معلم	مسایل مربوط به فراگیر
۱- مسایل شخصیتی	۴۴. مسایل درون مدرسه الف) مسایل معلمان ب) مسایل سازمانی مدرسه ج) مسایل فراگیران دیگر
۲- مسایل سازمانی	۲- مسایل بیرون مدرسه الف) مسایل خانوادگی ب) مسایل اجتماعی
۳- مسایل اجتماعی	
۴- مسایل تخصصی	

منابع

- نصرآبادی، حسنعلی و نوروزی، رضاعلی (۱۳۸۲). *راه بردهای جدید آموزشی در هزاره سوم*، قم: انتشارات سماء قلم.
- شریف، مصطفی (۱۳۸۹). *برنامه درسی گفت مان، نظریه، پژوهش و عمل برنامه درسی دانش مدار*، جلد سوم، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- شریف، مصطفی (۱۳۸۹). *برنامه درسی گفت مان، نظریه، پژوهش و عمل برنامه درسی نومفهوم گرا*، جلد چهارم، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- عبادی، غلامحسین و الهام پور، حسین (۱۳۸۶). بررسی عملکرد تحصیلی دانش آموزان معلمان حق التدریس پاره وقت، *سرباز معلم و رسمی در دروس ریاضی و علوم پایه پنجم ابتدایی شهرستان اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، سال چهارم، شماره ۳، صص: ۹۷-۱۱۶.
- نصرآبادی، حسنعلی و نوروزی، رضاعلی (۱۳۸۴). *آموزش، رویکردها و انگاره های جدید*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- بیرمی پور، علی و بختیار نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۸۹). *پست مدرن و اصلاحات برنامه درسی*، *مجله رویکردهای نوین آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان*، سال پنجم، شماره یک، صص ۳۰-۶۰.
- کاووسی، اسماعیل (۱۳۸۹). *فرهنگ و جهانی شدن (۱)*، *پژوهشنامه شماره ۵۷*، چاپ اول، مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- شورت، ادموند سی. (۱۳۹۴). *روش شناسی مطالعات برنامه درسی (با بازنگری در ترجمه)*، ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران، تهران: سمت.
- Elam, S. M., L. C. Rose, and A. M. Gallup. (۱۹۹۶). "The ۸۸th Annual Phi Delta Kappa/Gallup Poll of the Public's Attitudes Toward the Public Schools." *Phi Delta Kappa* ۸۸(۱) (۱۹۹۶): ۹۹.
- Vermunt, J. D. & Verloop, N. (۱۹۹۹). Congruence and Friction Between Learning and Teaching, *Learning and Instruction*, No. ۹, PP. ۵۵۷- ۸۸۰.
- Ellsworth, Elizabeth. (۱۹۸۹). "Why Doesnot This Feel Empowering? Working Through the Repressive Myths of Critical Pedagogy", *Harvard Educational Review*, ۹۹, No. ۳ PP: ۷۷۷-۴۴۴.
- Brok, P. J. den & Bergen, T. & Stahl, R. J. & Brekelmans, M. (۲۰۰۴). "Students, Perceptions of Teacher Control Behaviors", *Learning and Instruction*, No. ۱۴, PP. ۵۵۵-۳۳۳.
- Brok, P. J. den (۲۰۱۱). *Teaching and Student Outcomes: A Study on Teachers, Thoughts and Action from an Interpersonnal and a Learning Activities Perspective*. Utrecht : W. C. C.
- Evertson, C. M. (۱۹۸۵). "Classroom Rules and Routines." *In International Encyclopedia of Teaching and Teacher Education (۳rd edition)*. L. W. Anderson, editor. Tarrytown, Ny: Elsevier Science, Inc., ۱۹۹۵, pp. ۱۱۵-۱۱۶.
- Orlich, D. C., Harder, R. J., Callahan, R. C., Gibson, H. W. (۱۹۸۸). *Teaching Strategies*, Boston: Houghton Mifflin.

- Cangelosi, J. S. (۱۹۹۰). *Cooperation in the Classroom: Students and Teachers Together* (۳rd edition). Washington, DC: National Education Association.
- Doyle, W. (۱۸۸۵). "Recent Research on Classroom Management: Implications for Teacher Preparation." *Journal of Teacher Education* ۶۶ (۱۹۸۵): ۱۱-۵۵.
- Lombardi, T. P. (۱۹۹۲). *Learning Strategies for Problem Learners*. Bloomington, IN: Phi delta Kappa Educational Fundation. Fastback, No. ۴۴۵.
- Tauber, R. T. (۱۹۹۰). *Classroom Management from A to Z*. Chicago: Holt, Rinehart and Winston.
- Evertson, C. M., and A. H. Harris. (۱۹۹۲). "What We Know About Managing Classrooms." *Educational Leadership* ۹۹(۷) (۱۹۹۲): ۴۴-۸۸.
- Long, J. D. (۱۹۸۵). "Troubleshooters' Guide to Classroom Discipline." *Instructor*, ۵۵ (۱۸۸۵): ۲۲۲-۴۴۴.
- Baker, D. (۱۹۸۸). "Teaching for Gender Differences." *NARST News* ۰۰(۱) (April ۱۹۸۸).
- Good, T.L., and J. Brophy (۱۹۹۴). *Looking in Classrooms* (۷th edition). New York: Harper Collins.
- Gamoran, A., and M. Berends. (۱۹۸۸). *The Effects of Stratification in Secondary Schools: Synthesis of Survey and Ethnographic Research*. Madison, WI: National Center of Effective Secondary Schools, University of Wisconsin at Madison.
- Celce-Murcia, Marianne (۲۰۰۱). *Teaching English as a Second or Foreign Language* (۳rd edition). Eunice Yeates-Fogle. The United States of America.
- Blatchford, P. (۱۹۹۳). "A Systematic Observational Study of Teachers, and Pupils, Behavior in Large and Small Classes", *Learning and Instruction*, No. ۳۳, PP. ۶۶۶-۵۵۵.
- Perrott, E. (۱۹۹۲). *Classroom Talk and Pupil Learning*, Sydney: Harcourt, Brace Jovanovich.
- Chuska, K. R. (۲۰۰۵). *Improving Classroom Questions: A Teachers Guide to Increasing Student Motivation, Participation and Higher-Level Thinking*. Bloomington, IN: Phi Delta Kappa Educational Foundation.
- Johnson, D. W., and Johnson, R. T. (۱۹۸۹). *Cooperation and Competition: Theory and Research*. Edina, MN: Interaction Book.
- Wentzel, K. R. & Barry, C. M. & Caldwell, K. A. (۲۰۰۴). "Friendships in Middle School: Influences on Motivation and School Adjustment" *Journal of Educational Psychology*, Vol. ۶۶, No. ۲, PP ۱۵۵- ۰۰۳.
- Essex, Marilyn J. & Armstrong, Jeffrey M. & Burk, Linner R. & Goldsmith, H. Hill & Boyce, W. Thomas (۱۹۹۱). *Biological sensitivity to context moderate the effects of the early teacher-child relationship on the development of mental health by Adolescence Development and Psychopathology* ۳۳(۱۹۹۱), ۶۶۶-۱۱۱.